

جهاد اقتصادی و نسبت آن با جهاد فرهنگی-آموزشی

نیم‌نگاهی به نقش تکنولوژی آموزشی

تحول، جهاد،
نیازسنجی، نیاز
آموزشی.



اشاره

قبل از ورود به مفهوم جهاد اقتصادی لازم است بحثی در زمینه تحول که زیرساخت جهاد اقتصادی است، به میان آوریم: از منظر مدیریتی، تحول فرایندی است که با افزایش و بالا بردن ظرفیت ذهنی و توانمندی‌ها و مهارت‌های اداری، قابلیت تطابق با شرایط و تغییر محیط سازمان را ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که سازمان به حدی از اعتلا دست یابد که بتواند بر محیط خود اثر بگذارد. می‌توان تحول را این‌گونه تعریف کرد: برنامه‌های هماهنگ‌شده که اساساً درگیر تغییرات بنیادی در راهبرد، ساختار، نظام‌های عملیاتی، توانمندی‌ها و فرهنگ سازمان است.

در خصوص تغییر، باید به سه اصل معتقد شویم:

تغییر و تحول باید ایجاد شود (نه این که خوب است ایجاد شود).

ما باید تغییر و تحول را ایجاد کنیم (دیگران ممکن است راهنمایی کنند، اما مسئولیت با ماست).

ما می‌توانیم تغییر را به وجود آوریم (عادت‌ها را خودمان ایجاد کرده‌ایم، پس خودمان هم می‌توانیم آن‌ها را تغییر دهیم).

در این مقاله، موضوع جهاد اقتصادی با نیم‌نگاهی به نقش فناوری آموزشی در تحول آموزشی، بررسی شده است.

جهاد تنها به معنی
جنگ و نبرد مسلحانه
نیست، بلکه هر
نوع تلاش و کوشش
در پیشبرد اهداف
مقدس الهی را شامل
می‌شود



سراغاز

جهاد به معنای کوشش همه جانبه برای رسیدن به هدف است. جهاد در منطق اسلامی به کاربردن نهایت جهد و کوشش در راه خدا برای نجات خلق از ظلم‌ها و اسارت‌ها، و استقرار خداپرستی و تسلط نظام عدالت اجتماعی بر زندگی انسان‌هاست که در بسیاری مواقع با فداکاری و جان‌بازی همراه است. در واقع، جهاد معامله‌پرسودی است که خداوند با بندگانش کرده است. یعنی خداوند نعمات بی‌شماری را به بندگان خود داده است که از طریق جهاد، همان‌ها را از مؤمن خریداری می‌کند.

از این منظر می‌توان گفت: جهاد تنها به معنی جنگ و نبرد مسلحانه نیست، بلکه هر نوع تلاش و کوشش در پیشبرد اهداف مقدس الهی را شامل می‌شود. به این ترتیب، علاوه بر نبردهای دفاعی و گاهی تهاجمی، مبارزات علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد.

جهاد فرهنگی آموزشی

پس اگر چنین است، جهاد فرهنگی آموزشی می‌تواند به عنوان شاخصه مهمی در تحول آموزش و پرورش مطرح باشد. در جهاد فرهنگی آموزشی، محورهای عمده‌ای مدنظرند که به طور خلاصه عبارت‌اند از:

- علم و تحقیق به عنوان مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عملی شعار جهاد علمی آموزشی
- همت مضاعف و کار مضاعف در استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود
- همکاری همه دستگانه‌ها و قوای سه‌گانه به ویژه قوه‌های مجریه و مقننه

- سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و به ویژه تأکید بر سرمایه اجتماعی
 - تولید فکر، کتاب‌خوانی و افزایش معلومات عمومی
 - مبارزه با فقر، فساد و بی‌عدالتی، و سالم‌سازی فضای فرهنگی اجتماعی
 - تدبیر و شجاعت در مقابله با دشمنان فرهنگ و اقتصاد کشور
- بر این باوریم که با این زیرساخت اندیشه‌ای که از نگرش‌ها و باور ما به آموزه‌های اسلامی برخاسته است، می‌توان در روش‌ها و ابزار در دو حوزه مهم، تحول و جهاد فرهنگی آموزشی را سامان داد. حوزه نخست، نیازسنجی است و حوزه دوم فناوری آموزشی.

نیازسنجی و تحول در آموزش و پرورش

نیازسنجی آموزشی از پایه‌های تحول است. به طور کلی برداشت‌ها و تعاریف ارائه شده از نیاز را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. نیاز به عنوان فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب: نیاز به موقعیتی دلالت دارد که در آن وضعیت موجود یا حاضر، با وضعیت مطلوب فاصله دارد. وضعیت مطلوب یا موردنظر، دربرگیرنده ایده‌آل‌ها، هنجارها، ترجیحات، انتظارات و ادراکات درباره آن‌چه که باید باشد، است.
۲. نیاز به عنوان خواست یا ترجیح: نظرات و عقاید افراد و گروه‌ها در خصوص نیاز، کانون اصلی نیازسنجی است.
۳. نیاز به عنوان عیب یا کاستی: از این دیدگاه، نبود دانش، مهارت و توانایی یا نگرش و یا ابزار و وسایلی که به ایجاد اشکال در

عملکرد بهینه منجرشود، نیاز تلقی می‌شود. در این مفهوم، نیاز هنگامی مطرح می‌شود که در موردی خاص، حداقل سطح رضایت به دست نیامده است یا ۴. برداشت ترکیبی: آن‌چه بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد، آن‌چه ترجیحات، علاقه‌ها و انتظارات افراد را شکل می‌دهد و سرانجام آن‌چه بر عملکردهای مطلوب اثر منفی دارد، همگی نشانگر نیاز هستند. حال سؤال این است که نیازسنجی براساس کدام اهداف صورت می‌گیرد؟

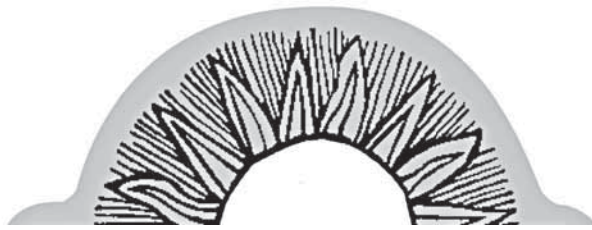
اهداف نیازسنجی

- فراهم‌سازی اطلاعات برای برنامه‌ریزی
- ارزیابی و سنجش
- پاسخگو و مسئول کردن مؤسسات و نظام‌های آموزشی
- رشد و توسعه سازمان و کارکنان
- استفاده بهینه از منابع و امکانات

تعریف نیاز آموزشی

از آن‌جا که موضوع بحث ما در حیطه آموزش و پرورش است، پس باید به تعریف نیاز آموزشی نظر داشت: نیاز آموزشی عبارت است از تغییرات مطلوبی که باید در فرد یا افراد هر سازمان از نظر دانش، مهارت و یا رفتار به وجود آید تا فرد یا افراد مزبور بتوانند وظایف و مسئولیت‌های مربوط به شغل خود را در حد مطلوب، قابل قبول و منطبق با استانداردهای کاری انجام دهند. هم‌چنین این تغییرات باید در صورت امکان، زمینه‌های رشد و تعالی کارکنان را در ابعاد گوناگون فراهم آورد.

تکنولوژی آموزشی با رویکردی جهادگونه و با زیرساخت اندیشه‌های ایرانی - اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز تحول باشد



نقش فناوری آموزشی در تحول آموزشی

پیشرفت علوم و فنون، افزایش حجم دانش بشری، تغییر شرایط و امکانات زندگی فردی و اجتماعی، نفوذ فناوری و صنعت در روابط ملی و بین‌المللی، نقش زمان در سرنوشت ملت‌ها، ظهور مشاغل و تخصص‌های جدید، تغییر نیازهای جامعه، آگاهی ملت و... همه و همه در تغییر و تحول برنامه‌ها اثر می‌گذارند. این اثرگذاری به یقین در حوزه آموزش و پرورش نیز بسیار مهم تلقی می‌شود. اما علاوه بر زیربنای فکری و محتوایی به ابزارهایی نیاز است که در فناوری آموزشی نمود پیدا می‌کند. از این روی بر این باوریم که تکنولوژی آموزشی با رویکردی جهادگونه و با زیرساخت اندیشه‌های ایرانی-اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز تحول باشد. از این منظر در جهاد آموزشی-فرهنگی به این نوع فناوری پرداخته‌ایم.

فناوری آموزشی اکنون صرفاً کاربرد دستگاه‌های سمعی و بصری نیست. آموزش نیز امروز معنی و مفهوم جدیدی پیدا کرده است. مواد و وسایل آموزشی روز به روز تنوع بیشتری می‌یابند و کتاب درسی تنها یکی از آن‌ها به حساب می‌آید. نقش معلم هم بیشتر راهنمایی و رهبری و هدایت است تا متکلم وحده بودن.

به منظور یاری دادن به فراگیرندگان و برای ایجاد محیط پربار آموزشی-یادگیری، مواد کمک‌آموزشی چندحسی^۱ زیادی تهیه شده‌اند. از آن جمله: ماشین‌های آموزشی، تلویزیون، فیلم، ابزارهای بازیابی اطلاعات، وسایل و تجهیزات آزمایشگاهی و... این مواد در مرکز یادگیری کلاس قرار می‌گیرند.

مرکز مواد آموزشی (IMC)

یکی از برنامه‌های ویژه تأسیس هسته اصلی فعالیت مدارس، محیط‌هایی است که به صورت «مرکز مواد آموزشی IMC» طراحی می‌شوند. تا کنون چند نوع مرکز مواد آموزشی طراحی و بهره‌برداری شده است:

- نوع اول این مرکز به گونه‌ای است که مورد استفاده مشترک معلمان و دانش‌آموزان چندین مجتمع آموزشی به هم پیوسته است.
- نوع دوم مرکز مواد آموزشی، یک مجتمع آموزشی است که منبع ذخیره و تغذیه همه مدارس مجتمع است.
- نوع سوم به یک مدرسه مربوط است و امکان یادگیری از یک مجموعه وسایل آموزشی را در مدرسه فراهم می‌سازد.
- نوع چهارم به کلاس درس مربوط است و فرصت یادگیری مفاهیم هر ماده درسی را در محیط کلاس درس فراهم می‌آورد. در این نوع مرکز یادگیری، تحت عنوان مرکز یادگیری کلاس^۲، دانش‌آموزان می‌توانند با دسترسی به انواع ابزارهای آموزشی، فرصت‌های یادگیری را در سطوح گوناگون گسترش دهند. هم‌چنین، انواع لوازم و ابزار آموزشی از قبیل کتاب و سایر مطالب چاپی، فیلم‌های علمی، آموزشی، نشریات، عکس، اسلاید، مجموعه‌ها و دستگاه‌های سمعی و بصری (تلویزیون، نوار ضبط صوت، ویدیو، رایانه و...) هنگام اجرای روش‌های تدریس، با توجه به تفاوت‌های فردی فراگیرندگان، شرایطی را پدید می‌آورند که مفاهیم آموخته شده عمق و وسعت بیشتری یابند و مطالب درسی با درک کامل دریافت شوند.
- از سویی، دیدگاه جدید به آموزش،

از محتوای مرکزی^۳ به فرایندمحوری^۴ و یادگیری محوری^۵ چرخش داشته و نقش معلم از انتقال‌دهنده اطلاعات، به هدایت‌کننده فعالیت‌های یادگیری تغییر یافته است.

- مواد و ابزارهای آموزشی همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند و به اصطلاح «روزآمد و بهنگام» می‌شوند. معلمان فکور و خلاق، علاوه بر استفاده از ابزارهای آموزشی به روز و بهنگام، ابزارسازی و ابزارآفرینی می‌کنند^۶، چنین معلمانانی قادرند کمترین امکانات بیشترین بهره‌برابرند و با ساده‌ترین ابزارهایی که در محیط قابل کشف است، شوق‌انگیزترین یاددهی‌ها را عرضه دارند.
- برای این معلمان، قلم و کاغذ، تخته‌سیاه، کتاب‌های غیردرسی، پوشاک، پارچه، میخ، پیچ، اره، آچار، ظرف، تخته ماهوتی، انواع مواد و قلم رنگی، رنگ روغن، زوروق، گل و گیاه، برگ و ساقه و شاخه و خس و خاشاک و... به همان اندازه ارزش و اعتبار «ابزار بودن» دارد که وسایل سنگین و بزرگ در اصطلاح پیشرفته‌ای که به صورت دستگاه‌هایی نظیر رایانه، ماشین‌های الکترونیکی، تلویزیون مداربسته و ویدیو جلوه‌گر می‌شوند و در فناوری آموزشی، سخت‌افزار آموزشی نامیده می‌شوند. به راستی، برای معلم «شاگردمدار»^۷ که ناچار باید «ابزارگر» هم باشد، هر چیز که در محیط و در زندگی او و شاگردانش قرار دارد، ابزار آموزشی به حساب می‌آید.

پی‌نوشت.....
 1. multi sensory
 2. classroom learning center
 3. content centered
 4. process centered
 5. learning centered
 6. tool maker instrument maker

دیدگاه جدید
 به آموزش، از
 محتوای مرکزی به
 فرایندمحوری و
 یادگیری محوری
 چرخش داشته و نقش
 معلم از انتقال‌دهنده
 اطلاعات، به
 هدایت‌کننده
 فعالیت‌های یادگیری
 تغییر یافته است